



A Contrastive Analysis of Persian and Korean Syllable Structure based on Typological Universals

Hamed Mowlaei Kuhbanani¹

*Assistant Professor of Linguistics, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran
(Corresponding author)*

ORCID: 0000-0001-7980-8472

Hossein Bazoubandi²

Assistant Professor of Linguistics, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

ORCID: 0000-0001-8317-7677

Received: May 19, 2023

Accepted: July 9, 2024

Abstract

Contrastive analysis is based on structural linguistics and tries to facilitate second language learning by focusing on the current phonological, morphological, and syntactic differences of languages. The goal of this study was to compare and contrast the syllables of Persian and Korean according to CA principles. To achieve the purpose, three typological universals, that is, elements of syllable, phonotactic rules, and potential syllables were investigated. The results on the first universal indicated that Korean has seven and Persian has six vowels which can be used in syllable structure of both languages without any constraint. Furthermore, by comparing 23 Persian and 22 Korean consonants according to International Phonetic Alphabet, some different constraints on the placement of some consonants of both languages in different syllable positions were identified. Results of syllable structure showed that Korean has CVC(C) and Persian has CV(CC) structure. Korean and Persian have binary branching syllabic structure, but their internal division is different. In Korean, onset and nucleus join together for making core and then this core can join to coda for making a syllable. In Persian, nucleus and coda join together producing rime and then rime join to onset. Additionally, there are some constraints on the syllable structure of Persian and Korean that make some other differences in the phonotactic rules of them. Finally, the findings pertaining to stress placement showed that the syllable-time is the common super segmental feature of both Korean and Persian.

Keywords: Contrastive Analysis, Korean, Persian, Syllable, Typology, Universal

1. Email: h.molaei@vru.ac.ir

2. Email: Bazoubandi.h@vru.ac.ir



تحلیل مقابله‌ای ساختار هجای فارسی و کره‌ای بر مبنای جهانی‌های رده‌شناختی

حامد مولایی کوهبنانی

استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران.^۱ (نویسنده مسئول)

Orcid: 2458-3495-9881-2614

حسین بازوبندی

استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران.^۲

Orcid: 0000-0001-8317-7677

صص ۸۳-۱۰۶

چکیده

تحلیل مقابله‌ای که الگوهای اولیه آن بر پایه زبان‌شناسی ساخت‌گرا شکل گرفته عمدتاً به بررسی سطوح دشواری جنبه‌های واجی، صرفی و نحوی زبان‌ها می‌پردازد تا از طریق تأکید بر تفاوت‌های بین زبان‌ها، آموزش زبان دوم را تسهیل کند. در پژوهش حاضر با تکیه بر سه معیار جهانی رده‌شناختی سعی شده تحلیل مقابله‌ای از ساختار هجای فارسی و کره‌ای ارائه شود تا از این طریق اطلاعاتی برای علاقه‌مندان به یادگیری زبان کره‌ای، به‌عنوان زبان دوم، فراهم گردد. گسترش صنعت موسیقی، فیلم و سریال‌های کره‌ای نقش اصلی در ایجاد علاقه به زبان و فرهنگ کره‌ای در ایران را داشته و این تأثیر به‌ویژه روی نوجوانان و جوانان به حدی بوده است که برخی را به سمت یادگیری زبان کره‌ای سوق داده است. از این رو، انجام پژوهش‌های مقابله‌ای بین فارسی و کره‌ای می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر دو زبان دارای واژه‌های ساده مشابه هستند که اجازه حضور در جایگاه قله هجا را دارند و محدودیتی در این مورد دیده نمی‌شود. همچنین، با مقایسه ۲۲ همخوان کره‌ای و ۲۳ همخوان فارسی مشخص شد که در هر دو زبان محدودیت‌هایی برای ورود برخی همخوان‌ها در برخی جایگاه‌های هجا وجود دارد که هیچ‌کدام مشابه با هم نیستند. نتایج مربوط به نحوه هم‌نشینی واج‌ها به‌منظور ساخت هجا براساس جهانی‌ها در دو زبان نیز نشان داد در فارسی برای ساخت هجای غیرمسطح، هسته و پایانه با هم یک سازه می‌سازند و سپس با آغاز ترکیب می‌شوند. این در حالی است که در

تاریخ دریافت: ۲۹ اردیبهشت/۱۴۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۹ تیر/۱۴۰۳

پست الکترونیکی:

1. h.molaei@vru.ac.ir

2. Bazoubandi.h@vru.ac.ir

کره‌ای، آغازه و هسته با هم تشکیل سازه داده و سپس با پایانه ادغام می‌شوند. علاوه بر این، بخش دیگری از نتایج نشان می‌دهد فارسی دارای ساختار هجایی CV(CC) است؛ در حالی که کره‌ای ساختار هجایی CVC(C) دارد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل مقابله‌ای، فارسی، کره‌ای، هجا، رده‌شناسی، جهانی‌ها.

۱. مقدمه

سر ویلیام جونز^۱ در سال ۱۸۷۶ پایه‌گذار مطالعات مقایسه‌ای در زبان‌شناسی شد. از اواخر قرن ۱۸ تاکنون مطالعات مقایسه‌ای زبان‌ها به شیوه‌های مختلفی صورت گرفته است که متخصصان آن‌ها را بر اساس هدف نهایی، روش مقایسه و همچنین گستره کاربردی در سه دسته عمده زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی، رده‌شناسی و تحلیل مقابله‌ای دسته‌بندی کرده‌اند. تحلیل مقابله‌ای، در سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به‌عنوان مبنای جدیدی برای آموزش مؤثر زبان خارجی تکوین یافت (البرزی، ۱۴۰۰: ۷). در واقع، سرآغاز ظهور این رویکرد به دوران پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که زبان‌شناسان ساخت‌گرا و متخصصین آموزشی تحت تأثیر دیدگاه‌های روان‌شناسی رفتارگرا به معرفی شیوه جدیدی برای آموزش زبان روی آوردند. هدف تحلیل مقابله‌ای از مقایسه زبان‌ها، بررسی آسان‌ترین راه‌های ممکن برای آموزش زبان دوم و یا ترجمه متون است. متخصصان تحلیل مقابله‌ای بر این باورند که فرایند انتقال^۲ نقش بسیار مهمی در یادگیری زبان دوم دارد. انتقال می‌تواند به دو صورت انتقال مثبت و منفی باشد. انتقال مثبت به معنی استفاده از عناصر و ویژگی‌های مشترک زبان اول و دوم برای یادگیری بهتر زبان دوم است. این در حالی است که انتقال منفی از نظر تحلیل مقابله‌ای مهم‌ترین عامل بازدارنده در فرایند یادگیری زبان دوم است. در کنار تلاش‌های صورت گرفته در عرصه تحلیل مقابله‌ای، مطالعات رده‌شناختی نیز کمک قابل توجهی به حوزه آموزش زبان دوم کرده است. رده‌شناسی، با تکیه بر شباهت‌ها به مقایسه گستره زیادی از زبان‌ها می‌پردازد تا آن‌ها را در رده‌های زبانی مختلف قرار دهد. مایر^۳ (۲۰۱۸: ۲۱) عقیده دارد فیزیاک^۴ (۱۹۷۱) نخستین بار بین زبان‌شناسی مقابله‌ای کاربردی و زبان‌شناسی مقابله‌ای نظری تمایز قائل شد. این تمایز باعث شد تا به مرور شاخه زبان‌شناسی مقابله‌ای کاربردی به تجزیه و تحلیل خطا تبدیل

1. Sir William Jones

2. Transfer

3. Mair

4. Fisiak

شده و زبان‌شناسی مقابله‌ای نظری، به‌عنوان نسخه‌ای تقلیل‌یافته از رده‌شناسی، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو زبان را واکاوی کند. رامات^۱ (۲۰۰۸: ۲) نیز بیان می‌کند که در سال‌های اخیر یافته‌های رده‌شناسی نقش مهمی در آموزش زبان دوم ایفا کرده‌اند.

در این پژوهش با تکیه بر سه معیار جهانی رده‌شناسی سعی خواهد شد تحلیلی مقابله‌ای از ساختار هجای فارسی و کره‌ای ارائه شود تا از این طریق اطلاعاتی برای علاقه‌مندان به یادگیری زبان کره‌ای فراهم گردد. با شروع موج کره‌ای (از دهه ۱۹۹۰) و به‌طور ویژه پس از ظهور شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، فرهنگ کره‌ای به‌طور فزاینده‌ای در گستره جهانی منتشر شده است. در این میان، گسترش صنعت موسیقی و فیلم و سریال‌های کره‌ای نقش اصلی در ایجاد این موج و اشاعه فرهنگ کره‌ای ایفا نموده است. تأثیرات چنین فرهنگی در ایران به‌ویژه روی نوجوانان و جوانان به حدی بوده است که علاوه بر ایجاد علاقه فراوان به فرهنگ کره جنوبی، برخی را به سمت و سوی یادگیری زبان کره‌ای نیز سوق داده است. این ارتباطات و انتقال فرهنگی منجر به علاقه و نیاز بیشتر به یادگیری زبان کره‌ای شده است. زبان‌های فارسی و کره‌ای از جنبه تاریخی ارتباطی با یکدیگر ندارند و این عدم ارتباط، یادگیری کره‌ای را برای فارسی‌زبانان دشوارتر می‌کند. درحالی‌که فارسی عضوی از خانواده زبانی هندواروپایی است، تعیین جایگاه کره‌ای در بین خانواده‌های زبانی با قطعیت انجام نشده است؛ گرچه برخی پژوهش‌ها همچون آرلاتو^۲ (۱۳۸۴: ۵۶) کره‌ای را عضوی از خانواده زبانی آلتایی می‌دانند. به اعتقاد لی و رامسی^۳ (۲۰۱۱: ۲۸۷) کره‌ای ۵ دوره تاریخی را طی کرده است و کره‌ای نو از اواخر قرن ۱۹ آغاز شده است. بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه ساختار هجایی دو زبان فارسی و کره‌ای است؛ چراکه الگوهای واج‌شناختی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین یادگیری زبان خارجی محسوب می‌شوند. به عبارت بهتر، پیش از درک ساختار و معنای واژگان و یا تلاش برای یادگیری قواعد دستوری هر زبانی، آگاهی از ساختار واجی آن نقشی اساسی در مراحل ابتدایی یادگیری زبان خارجی دارد.

۲. پیشینه پژوهش

مقایسه زبان‌های شرق آسیا با فارسی به‌صورت تحلیل مقابله‌ای تاکنون چندان موردتوجه پژوهشگران ایرانی نبوده است؛ زبان کره‌ای نیز از این قاعده مستثنی نیست. پژوهش‌های صفارمقدم (۱۳۸۰) و (۱۳۸۸) از معدود

1. Ramat
2. Arlato
3. Lee & Ramsey

پژوهش‌های مقایسه‌ای فارسی و کره‌ای هستند. پژوهش نخست صفارمقدم اگرچه به‌عنوان نخستین پژوهش در این زمینه کار ارزشمندی محسوب می‌شود اما برمبنای الگوی زبان‌شناختی مشخصی انجام پذیرفته است. پژوهش دوم صفارمقدم (۱۳۸۸) با عنوان «مقایسه عناصر ادب در زبان‌های کره‌ای و فارسی» را می‌توان برمبنای اصول کاربردشناسی زبان دانست. نتایج وی نشان می‌دهد که فارسی بیشتر از عناصر واژگانی و کره‌ای از نظام تصریف فعل، اسم، صفت و ضمائر برای بیان ادب استفاده می‌کنند. چویی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی ساخت فعل زبان کره‌ای با فارسی» به مقایسه ۴۸۰ فعل پرسامد فارسی با معادل کره‌ای آن‌ها از دو منظر گذرایی و ترکیب پرداخته است. وی یافته‌های این پژوهش را منبع مناسبی برای تهیه فرهنگ‌های موضوعی دوزبان فارسی-کره‌ای می‌داند. خانی و میردهقان (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی نحوی-رده‌شناختی با استفاده از نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، ساختار موصولی سه زبان آلتایی یعنی ترکی، کره‌ای و مجاری را با فارسی مقایسه کرده و شباهت‌ها و تفاوت‌های این ساختار نحوی را در زبان‌های مذکور بیان کرده‌اند.

این در حالی است که در عرصه بین‌المللی پژوهش‌های زیادی در مورد تحلیل مقابله‌ای زبان کره‌ای با سایر زبان‌های دنیا و به‌طور مشخص از جنبه ساختار آوایی-هجایی در دسترس است که با توجه به محدودیت حجم مقاله به چند مورد اشاره خواهد شد. هونگ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی نحوه تولید آوای کره‌ای از جانب زبان‌آموزان ژاپنی پرداخته‌اند که در خلال این بررسی به ساختار آوایی کره‌ای نیز اشاره کرده‌اند. لی و همکاران (۲۰۲۳) نیز در پژوهشی تنوعات واکه‌ای در گویش‌های مختلف کره‌ای را به‌صورت مقابله‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که نحوه تلفظ واکه‌ها در دو گویش اصلی کره‌ای با هم تفاوت‌هایی دارد و در پژوهش خود به برخی از تغییرات واکه‌ای منحصر به هر گویش اشاره کرده‌اند. هو و دو (۲۰۲۳) نیز در پژوهش خود به بررسی تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های زبرزنجیره‌ای همچون ساختار هجا و جایگاه تکیه زبان کره‌ای میان سخنگویان بومی و کره‌ای‌آموزان غیربومی پرداخته‌اند. آها نتیجه می‌گیرند که نقش ویژگی‌های زبرزنجیره‌ای کره‌ای در ایجاد تفاوت میان سخنگویان بومی و غیربومی بیش از ویژگی‌های زنجیره‌ای است. تانابالاسینگام (۲۰۲۳) نیز در پژوهش خود به مقایسه آوای کره‌ای و تامیلی پرداخته است. وی بیان می‌کند که در این پژوهش قصد دارد با ارائه روشی ساده فهرست واکه‌ها و همخوان‌های دو زبان را با هم مقایسه کند تا از این طریق به شباهت‌های احتمالی دست پیدا کند. وی در پایان اشاره می‌کند که ارتباطات آوایی بسیار زیادی بین فهرست واکه‌ها و همخوان‌های دو زبان وجود دارد که نمی‌تواند تصادفی باشد و این نشان‌دهنده یک ارتباط تاریخی میان دو زبان است.

براساس بررسی نگارندگان، ساختار هجایی و یا ویژگی‌های واج‌شناختی دو زبان فارسی و کره‌ای پیش‌ازاین بر مبنای الگوی زبان‌شناختی مشخصی صورت پذیرفته است و این مسئله ضرورت انجام پژوهش در این زمینه با تکیه بر اصول زبان‌شناسی مقابله‌ای را نشان می‌دهد.

۳. مبنای نظری؛ هجا در مطالعات رده‌شناختی

از نظر ثمره (۱۳۸۰: ۱۲۸) هجا واحدی آوایی است که به‌هیچ‌عنوان لازمه معناداری ندارد؛ اگرچه واژگان تک‌هجایی معنادار نیز هستند. موراسیک^۱ (۲۰۱۳: ۱۶۵) نیز عقیده دارد قابل تلفظ بودن مهم‌ترین ویژگی هجاست. وی بیان می‌کند با توجه به این‌که همخوان‌ها به‌خودی‌خود قابل تلفظ نیستند، طبیعی است که کوچک‌ترین هجاها هم دارای حداقل یک واکه باشند. این اصل ارتباط بین ماهیت هجا با ساختار آن را نیز نشان می‌دهد. ساختار هجا را می‌توان از چند معیار جهانی رده‌شناختی موردبررسی قرار داد.

معیار جهانی نخست مربوط به بررسی عناصر آوایی سازنده هر هجاست. موراسیک (۲۰۱۳: ۱۶۵) با استناد به پژوهش برین و پنسایفینی^۲ (۱۹۹۹) اشاره می‌کند که زبانی بومی در استرالیا وجود دارد که ساختار هجا در این زبان تنها یک واکه دارد. با این حال، چنین ساختاری برای هجا بسیار نادر بوده و جهانی نیست اما ترکیب یک همخوان و یک واکه به‌عنوان کوچک‌ترین هجا، بسامد بسیار بالایی در زبان‌های دنیا دارد. ترتیب همخوان و واکه نیز در بعد جهانی موردبررسی قرار گرفته است. پژوهش برین و پنسایفینی (۱۹۹۹) در این زمینه نشان می‌دهد که ساختارهای هجایی CV و VC ساده‌ترین ساختارهای هجایی ممکن در سطح زبان‌های دنیا محسوب می‌شوند. از میان این دو ساختار، ترکیب خطی CV بسامد بسیار بالاتری دارد؛ اگرچه برخی زبان‌ها (همچون انگلیسی) هر دو ساختار هجایی را به‌طور هم‌زمان دارند (موراسیک، ۲۰۱۳: ۱۶۵). همان‌گونه که مشخص است، مطالعه واکه‌ها و همخوان‌های هر زبانی نخستین قدم در تحلیل ساختار هجای آن زبان است؛ به‌عبارت‌دیگر، اگر CV را به‌عنوان نمونه‌اعلای^۳ هجا در بین زبان‌های دنیا بپذیریم، اهمیت مطالعه همخوان‌ها و واکه‌ها برای ما نمایان می‌شود. موراسیک (۲۰۱۳: ۱۷۵) اشاره می‌کند که تمام زبان‌های دنیا، واکه و همخوان دارند اما کیفیت و کمیت آن‌ها متفاوت است. به‌عنوان مثال زبان

1. Moravcsik

2. Breen & Pensaifini

3. Prototype

روتوکاس^۱ کوچک‌ترین نظام آوایی در بین زبان‌های دنیا را دارد. آواهای این زبان شامل ۶ همخوان و ۵ واکه می‌شود. در مقابل زبان خو^۲ به‌عنوان بزرگ‌ترین نظام آوایی بیش از ۱۰۰ آوا دارد. از تعریف هجا مشخص می‌شود که هر هجا تنها یک واکه دارد. براساس نظر موراسیک (همان) زبان یماس^۳ در گینه‌نو با تنها ۲ واکه و زبان آلمانی با ۱۴ واکه به ترتیب کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین نظام واکه‌ای در بین زبان‌های دنیا را دارند. از این رو، بررسی نظام واکه‌های هر زبان برای درک بهتر ساختار هجا اهمیت پیدا می‌کند.

علاوه بر این، همخوان‌های هر زبانی نیز اهمیت بالایی در تعیین ساختار هجا دارند. پژوهش مدیسون^۴ (۲۰۰۵) به ارتباط بین تعداد همخوان‌ها و ساختار هجای زبان‌های دنیا پرداخته است. بر اساس این پژوهش، هر چه تعداد همخوان‌های زبانی بیشتر باشد تمایل به ساخت هجاهای پیچیده‌تر بیشتر است درحالی‌که زبان‌هایی که لیست همخوانی محدودتری دارند، دارای ساختار هجایی ساده‌تری هستند (نقل شده در بیجن‌خان، ۱۳۸۹: ۴۵). موراسیک (۲۰۱۳: ۱۶۶) بیان می‌کند که البته ارتباط بین تعداد همخوان‌ها و ساختار خوشه همخوانی هجا طبق پژوهش مدیسون (۲۰۰۵) طبیعی است اما ضروری نیست؛ چراکه زبان‌هایی هستند که تنها ۶ همخوان دارند اما خوشه همخوانی ساختار هجای آن‌ها دارای ۵ همخوان است و جالب‌تر اینکه اجازه خوشه همخوانی تک همخوانی نیز نمی‌دهند. اهمیت مطالعه همخوان‌ها زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم هر هجا به جز یک واکه اجباری، می‌تواند یک یا چند همخوان پیش و پس از واکه قرار دهد تا هجاهای پیچیده تولید شوند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا زبان‌ها در رابطه با ترتیب و نوع همخوان‌ها در جایگاه‌های آغازین و پایانی هجا دارای نظم و قواعدی هستند یا خیر؟ یکی از کامل‌ترین پژوهش‌های جهانی در رابطه با تعداد و ترتیب همخوان در ساختار هجا در زبان‌های دنیا را گرین‌برگ^۵ (۱۹۷۸) انجام داده است. وی در این پژوهش به بررسی ساختار هجایی ۱۰۴ زبان پرداخته و براساس آن ۴۰ جهانی در رابطه با توالی همخوان‌ها ارائه کرده است. یکی از مهم‌ترین یافته‌های وی در این زمینه تحت عنوان «سلسله‌مراتب رسایی^۶» شناخته می‌شود. بر اساس این اصل، هر زمان در جایگاه‌های آغازین و یا پایانی هجا بیش از یک همخوان وجود داشته باشد، ترتیب توالی آن همخوان‌ها به گونه‌ای است که همخوان‌هایی که شباهت بیشتری

1. Rotokas
2. Xoo
3. Yimas
4. Maddieson
5. Greenberg
6. Sonority hierarchy

به واکه دارند در جایگاه نزدیک‌تر به قله هجا قرار می‌گیرند. وی در پژوهش خود عنوان می‌کند که از میان چهار نوع همخوان روان، خیشومی، سایشی و انسدادی، روان‌ها و خیشومی‌ها به‌واسطه ویژگی واکداری، بیشترین شباهت را به واکه‌ها دارند و در نتیجه نسبت به انسدادی‌ها و سایشی‌ها به قله هجا نزدیک‌تر خواهند بود. از میان روان‌ها و خیشومی‌ها، روان‌ها از آن جهت که در مسیر تولیدشان هیچ‌گونه بستی دیده نمی‌شود، نسبت به خیشومی‌ها بیشتر به واکه‌ها شبیه هستند و در نتیجه نزدیک‌ترین همخوان به قله هجا خواهند بود. از میان انسدادی‌ها و سایشی‌ها نیز طبیعی است که انسدادی‌ها به‌واسطه بست کامل جریان هوا و تولید انفجاریشان نسبت به سایشی‌ها در دورترین جایگاه ممکن از قله هجا قرار گیرند. سلسله‌مراتب رسایی گرین‌برگ (۱۹۷۸: ۲۶۱) در شکل ۱ شده است:



شکل ۱ - سلسله‌مراتب رسایی گرین‌برگ (۱۹۷۸)

با توجه به شکل ۱ می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که به‌طور جهانی، عناصری که بالاترین رسایی را دارند در جایگاه هسته قرار می‌گیرند و واج‌هایی که رسایی پایین‌تری دارند در حاشیه هجا قرار می‌گیرند. بسیاری از زبان‌ها، تنها به واکه‌ها اجازه حضور در جایگاه هسته هجا را می‌دهند درحالی‌که در برخی زبان‌ها علاوه بر واکه، همخوان‌هایی همچون روان و خیشومی که رسایی نسبتاً بالایی دارند نیز اجازه حضور در این جایگاه را دارند. بر اساس این تعریف می‌توان این‌گونه تصور کرد که هر هجا به‌صورت جهانی از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول هر هجا که به آن هسته هجا گفته می‌شود جایگاه رساترین واج است. واج یا واج‌هایی که پیش از هسته می‌آیند تحت عنوان آغاز و واج‌هایی که پس از آن می‌آیند تحت عنوان پایانه شناخته می‌شوند.

جدول ۱- توالی همخوان‌ها در خوشه‌های همخوانی آغازی و پایانی گرین‌برگ (۱۹۷۸: ۲۶۱)

جایگاه آغازی هجا	جایگاه پایانی هجا
گرفته - روان (kl)	روان - گرفته (lk)
؟	غیشومی - گرفته (nt)
غیشومی - روان (nl)	روان - غیشومی (ln)
انسدادی - سایشی (ks)	سایشی - انسدادی (sk)
؟	صدا دار بی صدا (nt)

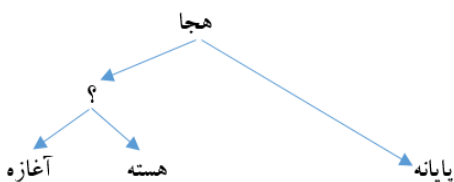
معیار جهانی رده‌شناختی دوم در بررسی ساختار هجا مربوط به نحوه کنار هم قرار گرفتن اجزاء اصلی هجا است. مطالعات رده‌شناسی نشان می‌دهد نحوه هم‌نشینی آغاز، هسته و پایانه منجر به ایجاد سه جهانی برای هجا در زبان‌های مختلف می‌شود. براساس دوراند^۱ (۱۹۹۰: ۲۰۲-۲۰۰) کان^۲ به‌عنوان نخستین فردی که هجا را واحدی ساختاری معرفی کرده است یک تجزیه سه‌گانه از هجا در شکل ۲ ارائه داده است. براساس این طرح واج‌های سازنده هجا در یک سطح مسطح و برابر با همدیگر باعث تشکیل این ساخت می‌شوند.



شکل ۲ - ساخت مسطح هجا

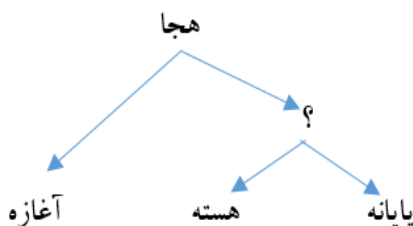
1. Durand
2. Kahn

دوراند اشاره می‌کند که پس از آن دو ساخت غیر مسطح برای هجا نیز معرفی شده است. طرح اول را کلمنتس و کایزر^۱ (۱۹۸۳) ارائه دادند که براساس آن آغاز و هسته با هم یک شاخه می‌سازند و سپس این شاخه در ترکیب با پایانه ساخت هجا را تشکیل می‌دهد.



شکل ۳- ساخت غیر مسطح هجا، کلمنتس و کایزر (۱۹۸۳)

سلکیرک^۲ (۱۹۸۴) نیز نمونه دیگری از ساخت غیر مسطح هجا ارائه داده است. به نظر وی، هسته و پایانه با یکدیگر تشکیل یک شاخه می‌دهند که این شاخه پس از ترکیب با آغاز ساخت جدیدی از هجا را نشان می‌دهد.



شکل ۴- ساخت غیر مسطح هجا، سلکیرک (۱۹۸۴)

معیار جهانی رده‌شناختی سوم در بررسی ساختار هجا مربوط به تعداد هجاهای ممکن در هر زبان است. مدیسون (۲۰۰۵: ۵۴) در این زمینه نشان داده است که به‌عنوان مثال زبانی بومی در کنگو تنها دارای یک نوع هجای CV است. این در حالی است که زبان انگلیسی ۱۸ نوع ساختار هجایی دارد (کشاورز، ۱۳۹۳: ۲۶).

۴. تحلیل داده‌ها

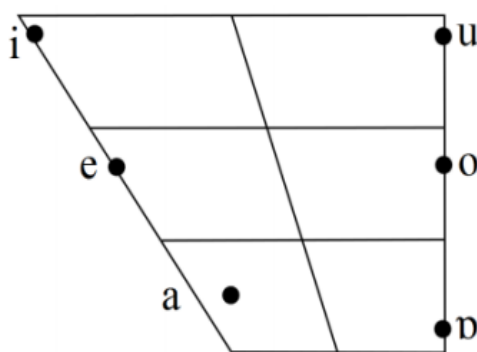
پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است. به این منظور ابتدا آثار موجود در رابطه با معرفی ساختار

1. Clements & Keyser
2. Selkirk

هجایی دو زبان مورد بررسی قرار گرفته است تا بر پایه اصول تحلیل مقابله‌ای زبان شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری دو زبان بر اساس سه معیار جهانی رده‌شناسی (شامل عناصر سازنده هجا در دو زبان فارسی و کره‌ای، قواعد واج‌آرایی فارسی و کره‌ای و تعداد هجاهای بالقوه فارسی و کره‌ای) مشخص گردد. لازم به ذکر است که علاوه بر این، به منظور تأیید صحت مثال‌های مربوط به ساختار هجایی زبان کره‌ای از بعد میدانی نیز با ۴ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد اهل کشور کره جنوبی که در مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان حاضر بودند مصاحبه‌هایی صورت گرفت. به منظور تحلیل مقابله‌ای ساختار هجای فارسی و کره‌ای از سه جهانی واج‌شناختی در حوزه ساختار هجا استفاده خواهد شد. به این منظور بحث در مورد تحلیل مقابله‌ای ساختار هجای دو زبان کره‌ای و فارسی در قالب این سه جهانی ارائه خواهد شد.

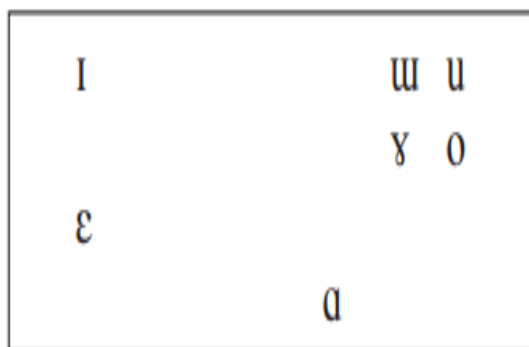
معیار جهانی ۱: عناصر سازنده هجا در دو زبان فارسی و کره‌ای

در پیشینه اکثر مطالعات زبان‌شناختی فارسی همچون ثمره (۱۳۷۸، ۱۰۲)، یارمحمدی (۱۹۹۵: ۵۶)، سپنتا (۱۳۶۶: ۱۳۴)، حق‌شناس (۱۳۷۰، ۲۸۵)، لازار (۱۹۹۲: ۱۶) عنوان می‌شود که این زبان دارای ۶ واکه ساده است (بیجن‌خان، ۱۳۸۹: ۹۴). واکه‌های پیشین به ترتیب عبارتند از واکه افراشته و غیرگرد /i/، واکه میانی و غیرگرد /e/ و واکه افتاده و غیرگرد /a/؛ واکه‌های پسین فارسی نیز عبارتند از واکه افراشته و گرد /u/، واکه میانی و گرد /o/ و واکه افتاده و گرد /ɒ/ (بیجن‌خان ۱۳۸۹: ۹۵) عقیده دارد که تولید واکه /ɒ/ در فارسی با لب‌های تقریباً گرد صورت می‌گیرد.



شکل ۵- نظام واکه‌های ساده فارسی (بیجن‌خان، ۱۳۸۹: ۹۴).

براساس پژوهش‌های موجود در رابطه با زبان کره‌ای همچون کانگ^۱ (۲۰۰۳) و چو و پارک (۲۰۰۶: ۲۳۳) زبان کره‌ای دارای ۷ واکه ساده است. در این زبان دو واکه پیشین وجود دارد که یکی افراشته /i/ و دیگری غیرافراشته /ɛ/ است. تنها واکه میانی این زبان واکه افتاده /a/ است. چهار واکه پسین در این زبان نیز از لحاظ گرد و غیرگرد بودن در دو گروه قرار می‌گیرند. واکه‌های گرد به ترتیب /u/ با ویژگی‌های پسین، گرد و افراشته و /o/ با ویژگی‌های پسین، گرد و میانی هستند. چو و پارک اعتقاد دارند که واکه‌های غیرگرد پسین زبان کره‌ای واکه‌هایی هستند که در بین زبان‌های دنیا بسیار نادرند.



شکل ۶- نظام واکه‌های ساده کره‌ای (چو و پارک، ۲۰۰۶: ۲۳۳)

توصیف مقابله‌ای واکه‌ها نشان می‌دهد در بین واکه‌های دو زبان، هم می‌توان واکه‌های مشترک یافت و هم می‌توان واکه‌هایی را دید که در یک زبان وجود دارد و در دیگری معادلی ندارند. وجود واکه /u/ با ویژگی پسین، غیرگرد افراشته و واکه /ɔ/ با ویژگی پسین، غیرگرد میانی در زبان کره‌ای را می‌توان به‌عنوان بارزترین تفاوت میان نظام واکه‌ای دو زبان دانست. با توجه به اینکه هدف نهایی از بررسی واکه‌های دو زبان، تحلیل ساخت هجاست، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که از این جنبه دو زبان شبیه به هم هستند؛ چراکه هر دو زبان فارسی و کره‌ای اجازه حضور واکه‌های ساده فوق را در جایگاه هسته هجا می‌دهند و محدودیتی از این بابت وجود ندارد. جدول ۲ واکه‌های دو زبان به‌صورت مقابله‌ای را نشان می‌دهد:

1. Kang

جدول ۲- نمایش مقابله‌ای نظام واکه‌های ساده فارسی و کره‌ای

	پیشین		مرکزی		پسین	
	کره‌ای	فارسی	کره‌ای	فارسی	کره‌ای	فارسی
افراشته	I	i			u III	u
میانی	ɛ	e			o Y	o
افتاده		a	a			ɒ

همان‌گونه که در بخش مبانی نظری اشاره شد، کمیت و کیفیت همخوان‌های هر زبان نیز نقش مهمی در ساختار هجای آن زبان دارد. فارسی دارای ۲۳ همخوان است (یارمحمدی (۱۹۹۵: ۵۴)، لازار (۱۹۹۲: ۱۲) و بیجن‌خان (۱۳۸۹: ۱۰۰). تمام همخوان‌های گرفته فارسی به جز همخوان‌هایی که در جایگاه‌های ملازی و چاکنایی تولید می‌شوند به صورت جفت‌های واکدار و بی‌واک هستند.

جدول ۳- جدول نظام همخوان‌های فارسی

	دولبی	لبی دندانی	دندانی	لثوی	لثوی کامی	کامی	ملازی	چاکنایی
انسدادی	p b		t d			k g	q	ʔ
سایشی		f v		s z	ʒ ʃ		x	h
انسایشی					ʧ ʤ			
غیشومی	m			n				
روان				l		j		
لرزنی				r				

طبق نظر چوو پارک (۲۰۰۶: ۲۳۷) کره‌ای ۲۲ همخوان دارد. نکته جالب در رابطه با همخوان‌های کره‌ای این است که تمام همخوان‌های گرفته^۱ () این زبان بی‌واک هستند؛ درحالی‌که جفت‌های واکنار همخوان‌های گرفته در زبان‌های دنیا از بسامد بالایی برخوردارند و اکثر زبان‌های دنیا این همخوان‌ها را دارند؛ به عبارت دیگر همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد هیچ همخوان انسدادی، سایشی و یا انسایشی واکناری در این زبان دیده نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد کره‌ای این است که اکثر همخوان‌های انسدادی، سایشی و انسایشی این زبان به سه شکل

1. Obstruent

ساده^۱، دمیده^۲ و تقویت شده^۳ نمایان می‌شوند.

جدول ۴- جدول نظام همخوان‌های کره‌ای (چو و پارک، ۲۰۰۶: ۲۳۷)

چگانتایی	لبی نرم کامی	نرم کامی	کامی	لثوی کامی	لثوی	دولبی
						اسدانی
						سایشی
						انسایشی
						خیشومی
						روان
						زئشی

تحلیل مقابله‌ای همخوان‌های دو زبان نشان می‌دهد همخوان‌های مشترک دو زبان و همچنین همخوان‌هایی که در زبان کره‌ای وجود دارد و فارسی فاقد آن‌هاست به مراتب کمتر از همخوان‌هاییست که در فارسی وجود دارد و در کره‌ای یافت نمی‌شود.

1. Plain
2. Aspirated .
3. Reinforced

جدول ۵- نمایش مقابله‌ای نظام همخوان‌های فارسی و کره‌ای

	دوبلی		دندانی لبی		دندانی		لثوی		لثوی کامی		کامی		نرم‌کامی		لبی نرم		ملاز		چاکنایی	
	ک	ف	ک	ف	ک	ف	ک	ف	ک	ف	ک	ف	ک	ف	ک	ف	ک	ف	ک	ف
انسدادی	p	p ^h	p	b			t	t ^h					k	K					q	ʔ
	p'						d	t'					g	k ^h	k'					
سایشی					f	v	s	s ^h			ʃ							x	h	h
انسایشی										ʃ ^h	ʃ'	ʃ	ʃ ^h	ʃ'						
غیثومی	m	m					n	n						ŋ						
روان								l				j	j	ɰ		w				
زنبشی							r													
لرزشی							r													

براساس جدول ۵ زبان فارسی و کره‌ای دارای ۹ همخوان مشترک هستند: /p/، /t/، /k/، /h/، /s/، /m/، /n/، /z/ و /ʃ/.

اگرچه همخوان‌های فوق جزو همخوان‌های مشترک دو زبان معرفی شده‌اند اما باین حال انطباق کامل میان همه این همخوان‌ها از تمام جنبه‌ها در دو زبان حاکم نیست. همخوان‌های فوق از لحاظ شیوه تولید و واکداری در دو زبان مشابه هستند؛ اما محل تولید دو همخوان از همخوان‌های مشابه دو زبان متفاوت است:

- همخوان /t/ در دو زبان مشترک است درحالی‌که محل تولید این همخوان در کره‌ای جایگاه لثوی است اما در فارسی این همخوان در جایگاه دندانی تولید می‌شود.

- همخوان /k/ نیز در دو زبان مشترک است اما محل تولید این همخوان در فارسی جایگاه کامی است اما در کره‌ای این

همخوان در جایگاه نرم‌کامی تولید می‌شود.

زبان کره‌ای ۱۲ همخوان دارد که معادلی در زبان فارسی ندارند. این گروه از همخوان‌ها را می‌توان در دو زیرگروه دسته‌بندی کرد. زیرگروه اول شامل همخوان‌هایی می‌شود که در زبان کره‌ای به صورت واج‌گونه‌هایی از واج‌های موجود در فارسی دیده می‌شوند. این دسته شامل ۹ همخوان می‌شود: /pʰ/, /tʰ/, /tʰ/, /kʰ/, /kʰ/, /sʰ/, /tʰ/ و /tʰ/. زیرگروه دوم هم شامل ۳ همخوانی می‌شود که در فارسی وجود ندارند: /w/, /w/ و /w/. در رابطه با همخوان /w/ ذکر این نکته ضروری است که به اعتقاد بیجن خان (۱۳۸۹: ۱۰۴) یارمحمدی (۱۹۹۵: ۵۴) و لازار (۱۹۹۲: ۱۱) با استناد به فرایندهای واجی از وجود این همخوان به صورت مستقل در فارسی یاد کرده‌اند.

در مقابل، ۱۳ همخوان از مجموع ۲۳ همخوان زبان فارسی در زبان کره‌ای دیده نمی‌شوند. این همخوان‌ها عبارتند از: /b/, /d/, /g/, /q/, /f/, /v/, /s/, /x/, /l/, /ʔ/, /dʒ/, /ʃ/ و /ʒ/. در نهایت، بررسی جدول ۵ این نکته را نشان می‌دهد که همخوان /t/ اگرچه در هر دو زبان مشترک است اما شیوه تولید متفاوتی دارد. با توجه به اینکه بررسی همخوان‌ها با هدف تحلیل ساختار هجاست در ادامه به چند نکته در مورد ماهیت و همچنین تفاوت‌ها و شباهت‌های رفتاری همخوان‌ها در ساختار هجای دو زبان اشاره می‌شود.

نکته اول اینکه براساس مثال (۱) از چو و پارک (۲۰۰۶: ۲۴۲) هر زمان همخوان‌های کره‌ای /t/، /s/ و /tʰ/ پیش از /l/ باشند طی فرایند کامی‌شدگی به ترتیب به صورت واج‌هایی شبیه به /ʃ/، /tʰ/ و /tʰ/ تلفظ می‌شوند. این فرایند نشان می‌دهد که اگرچه در جدول همخوانی کره‌ای /ʃ/ وجود ندارد اما طی این فرایند، واجی شبیه به /ʃ/ در این زبان کاربرد دارد.

مثال (۱) /sosik/: به معنی خیر [soʃik]

مثال (۱) /katʰi/: به معنی با هم [katʰi]

علاوه بر این، هر زمان همخوان زنشی /t/ در جایگاه پایانه هجای کره‌ای قرار گیرد تبدیل به واجی شبیه به /l/ می‌شود. چو و پارک (همان) ادعا می‌کنند که در کره‌ای همخوان /l/ نوعی واج‌گونه برای همخوان /t/ محسوب می‌شود. براین اساس در مورد همخوان /l/ نیز می‌توان گفت که اگرچه در جدول همخوانی این زبان دیده نمی‌شود اما به صورت واج‌گونه‌ای از /t/ در این زبان کاربرد دارد.

نکته دیگر نیز در مورد عدم وجود همخوان واک‌دار /b/ در جدول همخوان‌های کره‌ای است. هر زمان همخوان بی‌واک /p/ کره‌ای در ساختار هجا میان دو واج واک‌دار قرار گیرد، طی فرایند واجی واک‌داری به صورت همخوان واک‌دار /b/ تلفظ می‌شود. مثال (۲) (چو و پارک، ۲۰۰۶: ۲۴۳) نشان می‌دهد همچون موارد دیگری که ذکر شد،

همخوان /b/ نیز در گفتار روزمره کره‌ای‌ها به‌عنوان ماحصل یک فرایند واجی در برخی واژه‌ها دیده می‌شود.

مثال (۲) /papo/: به معنی احمق [pa**ɸ**o]

علاوه بر تفاوت‌هایی که در ساختار هجای دو زبان وجود دارد برخی محدودیت‌های متفاوت در مورد کاربرد همخوان‌ها در ساختمان هجای دو زبان نیز باعث ایجاد تفاوت میان دو زبان می‌شود. به‌عنوان مثال، در کره‌ای همخوان‌های سایشی /s/، s' و /h/ نمی‌توانند در جایگاه پایانه هجا قرار گیرند. به عبارت بهتر، هر زمان سایشی‌ها در جایگاه پایانه هجا قرار گیرند طی فرایند واجی تبدیل به همخوان انسدادی می‌شوند (چو و پارک، ۲۰۰۶: ۲۳۲)؛ بنابراین یادگیری کلمات فارسی همچون مثال‌های زیر که در جایگاه پایانه آن‌ها همخوان سایشی وجود دارد، برای کره‌ای‌ها دشوار است. آن‌ها این همخوان‌ها را به انسدادی تبدیل می‌کنند و یا با اضافه کردن واکه /i/ یک هجای جدید می‌سازند که باز هم موجب تفاوت در تلفظ واژه می‌شود:

مثال (۳) الف) سرو [sarv] ب) روز [ruz] ج) برف [barf] د) خرس [xers] ه) ورزش [varzeʃ]

علاوه بر این، هر زمان در زبان کره‌ای همخوان روان /j/ در جایگاه آغاز هجا قرار گیرد، واکه‌های پیشین افزوده /i/، /ɪ/ نمی‌توانند در جایگاه هسته آن هجا ظاهر شوند. در فارسی چنین محدودیتی وجود ندارد و نمونه‌هایی از ترکیب j+i در واژگانی همچون مثال زیر دیده می‌شود:

مثال (۴) الف) آینه [aɪne] ب) تغییر [taɪjɪr]

یکی دیگر از مواردی که در ساختار هجایی کره‌ای وجود دارد اما در فارسی دیده نمی‌شود مربوط به فرایند واجی خنثی‌شدگی^۱ روی همخوان‌های سایشی و انسایشی در جایگاه پایانه هجای این زبان است. به نظر چو و پارک (۲۰۰۶، ۲۴۳) هر زمان سایشی‌ها و انسایشی‌های /t, t^h, t', s, s', ʃ, ʃ^h, ʃ'/ در جایگاه پایانه قرار گیرند طی فرایند خنثی‌شدگی تبدیل به /t/ می‌شوند:

مثال (۵) /pis/: به معنی شانه [pit]

/piʃ/: به معنی قرض [pit]

/piʃ^h/: به معنی سبک [pit]

در مقابل، فارسی نیز محدودیت‌هایی در ساخت هجا دارد که در کره‌ای دیده نمی‌شود. به‌عنوان مثال ثمره (۱۳۸۰):

۱۵۴-۱۴۵) اشاره می‌کند که هر زمان در جایگاه هسته هجای CVCC واکه کوتاه قرار گیرد، محدودیتی در مورد

نخستین همخوان پایانه وجود ندارد اما اگر در این جایگاه واکه بلند قرار گیرد تنها امکان وقوع سایشی‌های بی‌واک /f/، /s/، /ʃ/ و /h/ یا /t/ و /n/ را در جایگاه همخوان اول پایانه دارند. علاوه بر این، دو همخوان /t/ و /n/ در این حالت روی همخوان دوم پایانه نیز محدودیت ایجاد می‌کنند؛ به نحوی که اگر همخوان اول پایانه /t/ بود، همخوان دوم حتماً /t/ است و اگر همخوان اول پایانه /n/ بود همخوان دوم قطعاً /s/ خواهد بود. بیجن خان (۱۳۸۹: ۱۰۳) نیز عقیده دارد که چاکنایی‌های /r/ و /h/ فارسی تنها رساهای غیرهمخوانی هستند که نمی‌توانند در مرکز هجا قرار گیرند.

معیار جهانی ۲: قواعد واج‌آرایی فارسی و کره‌ای

دومین جنبه در بررسی ساختار هجا مربوط به شیوه هم‌نشینی آواها برای ساخت هجاست. در بخش مبانی نظری اشاره شد که مطالعات رده‌شناختی نشان داده است که سه ساختار مختلف برای نحوه هم‌نشینی آواها در ساختار هجایی زبان‌های دنیا وجود دارد. در این بخش به مقایسه هجای دو زبان فارسی و کره‌ای از این بعد می‌پردازیم. به اعتقاد بیجن خان (۱۳۸۹: ۱۲۹) فارسی از بین سه ساختار هجایی جهانی مطابق با الگوی غیرمسطح سلکی‌ریک (۱۹۸۴) رفتار می‌کند. شاهد وی برای این ادعا سه اصلی است که ثمره (۱۳۸۰ و ۱۹۷۷) در مطالعات خود به ترتیب زیر عنوان کرده است:

- در ساخت هجای CVCC، پس از واکه‌های کوتاه هیچ محدودیتی برای عضو اول خوشه دوهمخوانی وجود ندارد اما پس از واکه‌های بلند، عضو اول خوشه یا سایشی بی‌واک است یا همخوان رسای /n/ و /t/ که در حالت اول عضو دوم خوشه فقط همخوان دندانی /t/ است و در حالت دوم نیز فقط انفجاری‌های واک‌دار و /s/.

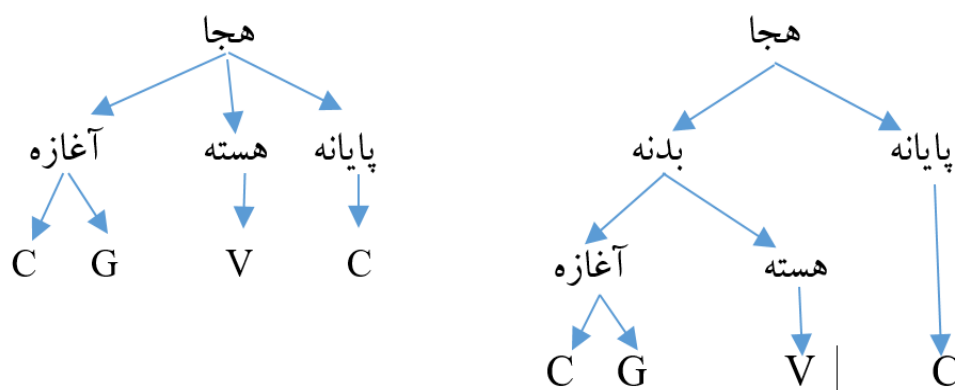
- در تبیین رابطه آغاز هجا و رشته آوایی پس از آن در ساخت هجایی CVCC تعریف یک محدودیت ساختاری بهینه در صورتی میسر است که عضو اول خوشه را ثابت در نظر گرفته، سپس با تعیین عضو دوم خوشه و واکه‌های کوتاه یا بلند در مرکز هجا، تنوعات ساختاری آغاز هجا را مشخص کرد.

ساخت هجایی CV فقط یک هجای غیرمجاز دارد، درحالی‌که در ساخت هجایی CVC تعداد هجاهای غیرمجاز به چهار عدد می‌رسد: بنابراین مرکز هجای فارسی روی همخوان پایانه در CVC محدودیت بیشتری اعمال می‌کند، تا بر روی همخوان آغاز هجا.

براین اساس، در فارسی هسته و پایانه با هم تشکیل وزن (rime) را می‌دهند و سپس از ترکیب وزن و آغاز هجا ایجاد می‌شود. این در حالی است که لی، پارک و لی^۱ (۲۰۱۰: ۲۰۴) در رابطه با ساخت هجای کره‌ای اشاره می‌کنند

که در این زبان دو مورد از سه جهانی ممکن برای ساخت هجا از جانب واج‌شناسان معرفی شده است. لی (۱۹۸۲)، آن^۱ (۱۹۸۳) و پارک (۱۹۹۳) ساخت مسطح هجا را برای کره‌ای مناسب می‌بینند.

به اعتقاد آن‌ها هیچ ساخت درونی بین عناصر سازنده هجا در کره‌ای وجود ندارد و آغاز، هسته و پایانه در یک سطح هجای کره‌ای را می‌سازند؛ درحالی‌که کیم^۲ (۱۹۸۷)، پارک (۱۹۹۳) و آن (۱۹۸۳) ساخت دوگانه (غیر مسطح) برای هجای کره‌ای را پیشنهاد داده‌اند. براساس توصیف آن‌ها آغاز و هسته با هم تشکیل بدنه می‌دهند و سپس هسته با پایانه ترکیب شده و هجا را می‌سازد. کانگ (۲۰۰۳، ۸۸) اعلام کرده که بهترین ساخت برای ساختمان هجا در زبان کره‌ای ساخت غیر مسطح است و ساخت مسطح نمی‌تواند به‌خوبی ویژگی‌های هجایی این زبان را مشخص کند؛ بنابراین می‌توان گفت که ساختمان هجایی کره‌ای به‌صورت غیر مسطح و مطابق با الگوی کلمنتس و کایزر (۱۹۸۳) است. لی و پارک (۲۰۱۰: ۲۰۶) با ارائه دو شکل زیر به‌عنوان ساختمان هجای کره‌ای اشاره می‌کنند که نکته مشترک و البته حائز اهمیت در هر دو نوع ساخت سلسله‌مراتبی این است که در کره‌ای برخلاف بسیاری از زبان‌های دنیا تمایز میان سه نوع واج اهمیت ویژه دارد. درحالی‌که در اکثر زبان‌های دنیا به‌منظور معرفی ساخت هجا به‌صورت جهانی از تمایز بین واکه‌ها و همخوان‌ها صحبت می‌شود، در کره‌ای علاوه بر این دو، واج‌های غلتان (G) نیز اهمیت دارند و علیرغم این‌که نوعی همخوان هستند؛ اما مجزای از همخوان‌ها متصور می‌شوند.



شکل ۷- ساخت‌های هجای پیشنهادی برای زبان کره‌ای (لی و پارک، ۲۰۱۰: ۲۰۴)

1. Ahn
2. Kim

با مقایسه ساخت هجای دو زبان کره‌ای و فارسی از این جنبه، مشخص می‌شود که هر دو زبان دارای الگوی ساخت هجای غیر مسطح هستند؛ اما فارسی از الگویی استفاده می‌کند که طبق آن آغاز مجزاست و هسته و پایانه با هم تشکیل یک سازه می‌دهند، در حالی که در کره‌ای آغاز و هسته با هم تشکیل یک سازه داده و سپس با پایانه ترکیب می‌شوند.

معیار جهانی ۳: تعداد هجاهای بالقوه فارسی و کره‌ای

آخرین نکته در رابطه با ساختار هجا، نوع و تعداد هجاهای هر زبان است؛ به عبارت دیگر، در مطالعات مقابله‌ای ساختار هجا، تعداد و نوع واج‌هایی که در جایگاه‌های آغاز و پایانه قرار می‌گیرند نیز محل بحث است. بنا به نظر چو و پارک (۲۰۰۶، ۲۳۹) ساختار اصلی هجایی زبان کره‌ای به صورت CVC(C) است. بر این اساس زبان کره‌ای در جایگاه آغاز تنها اجازه حضور یک واج می‌دهد.

در جایگاه پایانه هجای کره‌ای نیز تنها یک واج (فقط همخوان) قرار می‌گیرد. البته کره‌ای در برخی موارد اجازه حضور خوشه دو همخوانی در جایگاه پایانه را نیز می‌دهد. بنا بر الگوی چو و پارک (۲۰۰۶: ۲۴۵) می‌توان گفت که در زبان کره‌ای دو ساخت هجایی به صورت CVC و CVCC وجود دارد^۱. الگوی غیر مسطح فارسی به گونه‌ای است که در جایگاه آغاز تنها اجازه یک همخوان اجباری را می‌دهد. در جایگاه پایانه هجای فارسی نیز سه امکان وجود دارد که همین سه امکان باعث ایجاد سه ساخت هجایی در این زبان می‌شوند. ساخت هجایی فارسی به صورت CV(CC) است. بر این اساس فارسی سه نوع هجای CV، CVC و CVCC دارد.

جدول ۶- نمایش مقابله‌ای ساخت هجایی فارسی و کره‌ای

	آغاز	هسته	پایانه
کره‌ای	C/G	V	C (C)
فارسی	C	V	(CC)

نهایتاً باید اشاره کرد که هر دو زبان اجازه ورود خوشه همخوانی به جایگاه آغاز نمی‌دهند. علاوه بر این، در فارسی

۱. صفارمقدم (۱۳۸۰، ۱۲۹) در پژوهش خود اشاره می‌کند که کره‌ای دارای شش ساخت هجایی است.

و کره‌ای جایگاه آغاز باید با یک واج پر شود. این حالت برخلاف زبان انگلیسی است که اجازه می‌دهد جایگاه آغاز در برخی موارد خالی باشد. هجاهایی که جایگاه آغاز آن‌ها در زبان انگلیسی خالی است همواره یکی از موارد مشکل‌آفرین در بحث یادگیری تلفظ زبان انگلیسی برای گویشوران فارسی‌زبان است که به نظر این مشکل برای فارسی‌زبانان به هنگام یادگیری زبان کره‌ای وجود ندارد. وجه اشتراک دیگر ساختار هجایی در دو زبان مربوط به حداکثر واج‌هایی است که در جایگاه پایانه قرار می‌گیرد؛ هر دو زبان اجازه حداکثر دو همخوان در جایگاه پایانه می‌دهند. با این تفاوت که در کره‌ای وجود حداقل یک همخوان در جایگاه پایانه ضروری است اما در فارسی جایگاه پایانه می‌تواند خالی باشد.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر بررسی مقابله‌ای ساختار هجای فارسی و کره‌ای از سه جنبه رده‌شناختی انجام پذیرفت؛ نتایج نخستین بخش نشان داد هر دو زبان دارای واکه‌های ساده مشابه هستند که اجازه حضور در جایگاه قله هجا را دارند و محدودیتی در این مورد دیده نمی‌شود. کره‌ای دارای ۷ و فارسی دارای ۶ واکه ساده است که بر این اساس دو زبان دارای دو واکه مشابه و پنج واکه کاملاً متفاوت است. علاوه بر این، نتایج بخش همخوانی نشان داد که کره‌ای دارای ۲۲ و فارسی دارای ۲۳ همخوان است. کره‌ای همخوان‌های انسدادی و سایشی را به سه صورت ساده، دمیده و تقویت شده دارد در حالی که فارسی اکثر همخوان‌ها را به صورت جفت واک‌دار و بی‌واک دارد. نکته مهم در این بخش این است که در هر دو زبان محدودیت‌هایی برای ورود برخی همخوان‌ها در برخی جایگاه‌های هجا وجود دارد که هیچ‌کدام مشابه با هم نیستند. نتایج بخش دوم نشان می‌دهد که نحوه هم‌نشینی واج‌ها به منظور ساخت هجا در دو زبان متفاوت است. سه شیوه جهانی برای هم‌نشینی واج‌ها در ساختار هجا وجود دارد؛ در فارسی برای ساخت هجای غیرمسطح هسته و پایانه با هم یک سازه می‌سازند و سپس با آغاز ترکیب می‌شوند. این در حالی است که کره‌ای دارای ساخت غیرمسطح متفاوتی است؛ در این زبان آغاز و هسته با هم تشکیل سازه داده و سپس با پایانه ادغام می‌شوند. علاوه بر این، برخی زبان‌شناسان ساخت هجایی غیرمسطح را نیز برای کره‌ای مناسب دانسته‌اند. نتایج سومین معیار نیز نشان داد که فارسی با ساختار هجایی CV(CC) دارای سه نوع هجاست، در حالی که کره‌ای با ساختار هجایی CVC(C) دو نوع هجا دارد؛ به عبارت دیگر، در جایگاه پایانه، هجای کره‌ای معمولاً تنها یک واج و در برخی موارد خوشه دو همخوانی دارد؛ در حالی که در پایانه هجای فارسی سه امکان جایگاه خالی، تک همخوانی و خوشه دو همخوانی وجود دارد.

کتابنامه

- البرزی، پرویز. (۱۴۰۰). واکاوی مقایسه زبان‌ها، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۱۱ (۱)، ۱-۱۱.
- آرلاتو، آنتونی. (۱۳۸۴). در آمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرس، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیجن‌خان، محمود. (۱۳۸۹). واج‌شناسی؛ نظریه بهینگی. تهران: سمت.
- ثمره، یدالله. (۱۳۸۰). آواشناسی زبان فارسی، آواها و ساخت آوایی هجا، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- چوبی، یان‌گا. (۱۳۹۰). بررسی ساخت فعل زبان کره‌ای با زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی مجتبی منشی‌زاده و رضا مراد صحرایی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
- خانی، محمدحسین. میردهقان، مهین‌ناز. (۱۳۹۸). مقایسه رده‌شناختی ساخت موصولی ترکی آذربایجانی، کره‌ای، مجاری و فارسی. زبان‌شناخت (۱۰). ۲-۱-۲۳.
- دهمرد، مهدی؛ اقتصاد، سوده. (۱۴۰۱). نقش پیشینه فرهنگی آموزشی در تمایل به برقراری ارتباط در کلاس‌های برخط زبان فارسی در کره با تکیه بر نظریه سیستم‌های پویای پیچیده. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۱۲ (۲)، ۱۷۱-۱۹۴.
- صفرمقدم، احمد. (۱۳۸۰). نگاهی تطبیقی بر زبان‌های کره‌ای و فارسی. فرهنگ. ۴ (۳۷). ۱۱۵-۱۵۰.
- صفرمقدم، احمد. (۱۳۸۸). مقایسه عناصر ادب در زبان‌های فارسی و کره‌ای. تحقیقات فرهنگ. ۲ (۱). ۷۷-۹۷.
- کشاوری، محمدعلی. (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل مقابله‌ای، تجزیه و تحلیل خطاها و بین‌زبانی، تهران: انتشارات رهنما.
- Ahn, S. (1983). A Revised Theory of Syllable Phonology. *Linguistic Journal of Korean*. 13.2: 333-362
- Cho, J. & Park, H. (2006). A Comparative Analysis of Korean-English Phonological Structures and Processes for Pronunciation Pedagogy in Interpretation Training. *Meta*. 51 (2). 229-246.
- Clements, G & Keyser, S. (1983) CV Phonology: A Generative theory of the syllable, MIT Press.
- Durand, j. (1990). *Generative and nonlinear phonology*. New York: Longman.
- Goedemans, Rob and van der Hulst, Harry 2005. *Rhythm types*. In Haspelmath et al. (ed.) 74-77.
- Greenberg, Joseph H. 1978. *Some generalizations concerning initial and final consonant clusters*. In Greenberg et al. (eds.), volume II, 243-279.
- Hong, Hyejin. Kim, Sunhee. Chung, Minhwa. (2013). A Corpus-Based Analysis of Korean Segments Produced by Japanese Learners. *Grenoble*. 3 (15). 189-192.
- Hu, Xin. Du, Haiying. (2023). Korean EFL Learner's Supersegmental Features. *English Language Teaching*. 16 (2). 82-97.
- Kang, O. (2003). *Korean Phonology*. Seoul: Taehaksa.
- Kim, J. (1987). English Syllable Structure and Phonological Rules in Korean. *Journal of English Language and Literature*. 5.3:589-608.

- Lee, Jooyoung, Kim, Sunhee, Chung, Minhwa. (2023). Analyzing vowel variation in Korean dialects using phone recognition. *Phonetics and Speech Sciences*. 15 (4). 101-107.
- Lee. B. (1982). A Well-Formedness Condition on Syllable Structure. The Linguistic Society of Korea, (Ed.). *Linguistics in the Morning Calm I*. Seoul: Hanshin Publishing. 489-506.
- Lee.K.M & Ramsey.R. S. (2011). *A History of the Korean Language*. Cambridge University Press.
- Leea. G. Park. Y and Lee.L. (2010). implementation of Korean Syllable Structures in the Typed Feature Structure Formalism. [*Proceedings of the 24th Pacific Asia Conference on Language, Information and Computation*](#). 203-212.
- Mair, CH, 2018, 'Recent Advances in Contrastive Linguistics and Language Typology: The Spin-off for language teachers. *In linguistics, language learning and language teaching*. D.J. Alerton, C. Tschichold & J. Wieser. Schwabe Verlag Basel. 21-41.
- Moravcsik, E. A. (2013). *Introducing language typology*. Cambridge University Press.
- Park. Ch. (1993). Morphology and Phonology of Onomatopoeia. *Saykukesaynghwal* 3.2:16-52.
- Ramat. A, 2008, 'Typological Universals and Second Language Acquisition'. In *Universals of Language Today*. ScaliseS. Magni.E. Bisetto.A. Berlin: Springer,1-20.
- Selkirk. E. (1984). *On the major class features and syllable theory*. Cambridge: MIT Press.
- Thanabalasingam, Uthayanan. (2023). A Phonetic Comparison of Korean and Tamil. *Open Journal of Modern Linguistics*. 13 (1). 711-733.